

تابلو نقاشی اثر استاد حسن روح الامینی

- موضوع:
شهید محمد جعفر حسینی
- تکنیک اجرا:
دیجیتال پینت
- شاخه هنری:
نقاشی
- زمان خلق اثر:
معاصر
خلق اثر در سال ۱۳۹۸



شوخوی زیاد می کردند.

ایشان تا اذان صبح بالا سر محمّد جعفر درس می خواندند، چون فردا امتحان داشتند، البتّه خود شهید هم امتحان داشتند. اذان صبح شد، او را تکان دادم تا مثل همیشه نماز صبح را به او اقتدا کنم، ولی متوجّه شدم، بدنشان یخ کرده است. بعد از آمدن اورژانس متوجّه شدیم ایشان دو سه ساعتی است که به شهادت رسیده اند.

◀ خواسته‌ی آخر

زینب بابا! چنین می گوید: پدرم روز قبل از شهادت از من خواسته ای داشت. او به من گفت: زینب جان سعی کن هر روز صبح، یک سوره از قرآن را بخوانی، معنایش را هم بخوان. البتّه اگر نتوانستی شده یک آیه از قرآنم بخوانی بخوان، ولی با معنی.

- منابع:
- تسنیم ۱۳۹۶۹۲۰
- فرهنگی باشگاه خبرنگاران پویا
- آرشو هنر و رسانه فاطمیون
- مشرق ۲۳۵۶۹



◀ روایت فتح البوکمال

فرمانده فاطمیون درباره ی نحوه ی جانبازی ابوزینب می گوید: در جریان فتح آخرین پایگاه داعش در شهر البوکمال، شهید ابوزینب همواره پیشگام بود. در یکی از محلات که به سدّ محکمی از داعش برخورد کردیم و درگیری شدت گرفت، ابوزینب بر اثر اصابت موشک به شدت مجروح شد. در انتقال به بیمارستان مشخص شد حدود ۲۰۰ ترکش به بدنش اصابت کرده بود. وی شهید محمد جعفر حسینی را به یک گل تشبیه کرد که در مقابل چشمانش در شهر ال بوکمال پریز شد و به مقام جانبازی رسید.

◀ لبخند شوق شهادت

خانواده شهید، ششم دی ماه ۱۳۹۸، بعد از مدّت ها او را سرحال دیدند. همسرش خدا را شکر می کرد که نشانه های سلامت را در محمّد جعفر می بیند.

این بانوی طلبه چنین نقل می کنند: ساعت دو و نیم شب بود و من درس می خواندم. محمّد جعفر خطاب به من گفتند: از دستم ناراحتی؟؟؟ گفتم: نه، چرا آخه؟ شهید سرشان را زمین گذاشتند و گفتند: من رفتم. به ایشان گفتم: کجا شما که همین جایی. شهید گفتند ما که رفتیم. همسرشان می گویند:



عکس یادگاری شهید حسینی و فرزندان و همسرش در یادمان شهدای دفاع مقدس



جانباز غریب

محمّد جعفر حسینی در آخرین اعزام خود و در حالی که جنگ در حال خاتمه بود، در سال ۱۳۹۶، به منطقه رفت و با انفجار سنگینی، اثرات موج گرفتگی و ترکش های فراوان بر روی جان و تنش نقش بست. از آن زمان او بیشتر در بیمارستان بستری بود تا کنار خانواده اش.